

نقش ترجمه در تعاملات فرهنگی ایران و روسیه

نرگس محمدی بدر*

استادیار دانشگاه پیام نور، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۵/۹/۲۲، تاریخ تصویب: ۸۶/۱۲/۱۲)

چکیده

ترجمه، تلاشی برای یکسان‌سازی دانش در سطح جهان و گامی است استوار به سوی ارتباط ملت‌ها، بنابراین ترجمه حرکتی اصیل و ریشه‌دار است. ترجمه در میان اقوام غیر هم‌زبان رابطه‌ای فرهنگی به‌وجود می‌آورد. در این زمینه وظیفه مترجم، تجدید حیات یک ملت است که ملت ایران و ملت روسیه نیز در شمار این ملت‌هایند. در این نوشتار، نگارنده کوشیده با ذکر شواهدی چند، از فعالیت‌های مترجمان و محققان روس در باره ادب فارسی و نیز تلاش‌های محققان و مترجمان ایرانی در زمینه ادب روسی، نقش ترجمه را در نزدیکی و دوستی دو ملت ایران و روسیه نشان بدهد. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که اساسی‌ترین نقش در ایجاد روابط فرهنگی میان ایران و روسیه را انجمن فرهنگی ایران و روسیه ایفا کرده است و از میان شاعران فارسی، خیام بیشترین توجه مردم روسیه را به خود معطوف داشته‌است و در میان ایرانیان نیز، لف تالستوی و آنتوان چخوف از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: زبان روسی، زبان فارسی، ملت، ارتباط فرهنگی، ترجمه.

مقدمه

ترجمه از روزگاران پیشین ناقل فرهنگ و دانش، از قومی به قوم دیگر و همچون گذرگاهی راهبردی بوده که مدنیت‌ها را به یکدیگر متصل و در نهایت سرزنده‌تر و بارورتر ساخته است، چنانچه هنرهای تجسمی، موسیقی و معماری را که زبان بی‌زبانی است، مجزا سازیم، تقریباً تمامی تجلیات روح و اندیشه و مظاهر فرهنگ اقوام در قالب زبان، هایشان جای گرفته و به تدریج به صورت مکتوب به دست ما رسیده است. وظیفه و رسالت مترجم در این ارتباط فراهم آوردن ابزار آشنایی و لاجرم موهبات همدلی و هم‌زبانی میان اقوام گوناگون است در کشور ایران، ترجمه سابقه‌ای دیرینه دارد. اگر به دوره پیش از اسلام، توجه کنیم، متوجه می‌شویم که آثار بسیاری، از زبان‌های مختلف از جمله: سریانی، یونانی و سانسکریت به فارسی میانه (پهلوی) ترجمه شده است. ایرانیان حتی پس از پذیرش دین اسلام، از ترجمه متون سایر ملت‌ها غافل نماندند، آن‌ها براساس حدیث معروف نبوی «علم را بیاموزید ولو در چین» با شور و علاقه وافر به ترجمه کتب گستره‌های علمی اسکندریه و آتن پرداختند. مترجمان بزرگی که بیشتر آنان، ایرانی بوده‌اند، توانستند کتاب‌های ادبی، طبی، فلسفی، نجومی، شیمی و ریاضیات را ترجمه کنند.

اصولاً ترجمه از روزگار پیشین ناقل فرهنگ و دانش از قومی به قوم دیگر بوده؛ چنانچه پیشینه روابط دو ملت ایران و روسیه را بررسی کنیم، در می‌یابیم که هر دو ملت از گذشته‌های دور با یکدیگر ارتباطات عمیق و ریشه‌داری برقرار کرده‌اند. یکی از انواع این روابط، جدا از ارتباطات اقتصادی، سیاسی و تجاری، ارتباط فرهنگی است. به طور کلی ارتباط فرهنگی رابطه‌ای پردوام و مستحکم است که به سادگی گسسته نمی‌شود، یکی از ثمرات روابط فرهنگی، توجه به آثار و تولیدات فرهنگی است.

درباره موضوع ترجمه آثار فارسی به روسی و برعکس، محققان دو کشور مقالاتی نوشته‌اند. برای نمونه مقاله "چخوف در ایران"، یا "پوشکین در ترجمه‌های فارسی" و یا مقاله "ترجمه‌های روسی ادبیات فارسی" را یادآور می‌شویم که در هر یک از این آثار محققان، موفق شدند صرفاً موضوعات محدودی را بررسی کنند، تلاش نگارنده در این مقاله آن است تا نقش ترجمه آثار ادبی را در هم‌کنش‌های فرهنگی دو کشور به صورت دو سویه نشان دهد و این که چگونه از طریق زبان و ترجمه آثار می‌توان زیرساخت قوی و مستحکمی برای دیگر فعالیت‌های فرهنگی ایجاد کرد.

سعی نگارنده بر این است که پس از مطالعه این اثر خوانندگان براساس تنوع آثار ترجمه

شده، تیراژ آثار منتشر شده و مترجمانی که به امر ترجمه آثار مبادرت ورزیده اند، و سایر فعالیت‌های فرهنگی دو کشور که براساس ارتباطات زبانی شکل گرفته، متوجه میزان علاقه مندی مردم دوکشور نسبت به یکدیگر گشته و نقش ارتباطات فرهنگی از رهگذر زبان و ترجمه متون را، مورد تایید و تاکید قرار دهند.

بحث و بررسی

به طور کلی، علم ترجمه در ایران با دو نهضت آغاز شد: یکی در دوره سنیان که نهضت عقل‌گرایی به وجود آمد و دیگر در زمان قاجار، که در حکومت ناصرالدین شاه شروع و در دوره مشروطه شدت گرفت و دلیل آن نیز تجدد خواهی ایرانیان بود. آن‌ها از راه ترجمه در پی رفع نیازهای فرهنگی و معنوی خود بودند و یکی از راه‌هایی را که برگزیدند، ترجمه آثار اروپایی بود.

با تأسیس دارالفنون، ترجمه کتاب‌های درسی نیز در ایران مدتوجه قرار گرفت. با ورود صنعت چاپ و اعزام محصلان به خارج از کشور، این نوع ترجمه نیز گسترش یافت. از آنجا که هدف از تأسیس این مرکز علمی، کسب تمدن، علوم و معارف مغرب زمین، عنوان شده بود، بنابر این، حرکت جدیدی در نوع منابع مورد توجه برای ترجمه (ترجمه کتب درسی) شکل گرفت.

با اعزام غالب محصلان دارالفنون به فرانسه، زبان فرانسه در کشور رواج یافت و آثار ادبای فرانسوی، نویسندگان، به فارسی ترجمه شد. در نتیجه، مترجمان ایرانی با توجه به عدم تسلط بر سایر زبان‌ها، از زبان فرانسه به عنوان زبان واسطه برای آشنایی با آثار و ادبیات دیگر کشورها نیز استفاده کردند و آثار بسیاری از سایر زبان‌ها نیز در این دوران از زبان فرانسه (به عنوان زبان واسطه) به فارسی ترجمه شد.

پس از پایان جنگ جهانی دوم، رفته رفته زبان فرانسه جای خود را به زبان انگلیسی داد. به طوری که امروزه زبان انگلیسی زبان دوم اکثریت مردم ایران به شمار می‌آید. با گذشت زمان، به تدریج با افزایش تعداد باسوادان و کتاب‌خوان‌ها بر تعداد مترجمان افزوده شد و بالطبع بر میل و رغبت به دانش‌اندوزی و کنجکاوی در مسایل اجتماعی، سیاسی، تاریخی و اقتصادی نیز افزوده گردید. در این دوره نخستین موسسه‌ای که کوشید هنر ترجمه را سر و سامان دهد، بنگاه ترجمه و نشر کتاب بود. این بنگاه در سال ۱۳۳۴ تأسیس شد و برای نخستین بار معیارهایی را برای انتخاب کتاب‌هایی که ترجمه آن‌ها سودمند و لازم بود،

مطرح کرد و برنامه‌ای برای نشریات در رشته‌های مورد نیاز ترتیب داد. (سیار، ۶۹۴)

با گذشت زمان، طبقه متوسط و عامه مردم نیز به علم‌آموزی و مطالعه کتاب و روزنامه روی آوردند و ترجمه، که پیش از این فعالیتی تفننی و افتخاری بود، به تدریج به پیشه‌ای پردرآمد، تبدیل شد. بدین ترتیب عواملی چون رشد اقتصادی جامعه، اشاعه علوم و فنون، آشنایی با زبان‌های خارجی و ایجاد مدارس و مراکز علمی و فرهنگی، به رونق روزافزون این هنر در ایران انجامید. در دوره کنونی چنان طیف وسیعی از آثار اروپایی به فارسی ترجمه شده است که به جرات می‌توان گفت سهم مترجمان به واسطه خدمتی که در طی این ۶۰-۷۰ سال به زبان فارسی کردند، از نویسندگان کمتر نخواهد بود. (فیض الهی، ۱۲۰)

جایگاه ترجمه در راهبرد ارتباط ملتها

پیدایی و نضج تمدن‌های سترگ و فرهنگ‌های شکوفا و نشر عقاید و ادیان که به تکوین و ظهور جنبش‌های فرهنگی، فکری و حتی اجتماعی و سیاسی منجر شد، با ترجمه آثار مکتوب از زبانی به زبان دیگر ارتباطی نزدیک داشته است. آیین بودایی، بیشتر از راه ترجمه متون بودایی از سانسکریت، در چین و ماچین، تبت، برمه و خاور دور، رواج یافته است. جهانگردان دانش‌اندوزی که از این خطه‌ها به هند می‌رفتند و زبان‌های مذهبی این کشورها را می‌آموختند، در بازگشت میسر این کیش کهن هندی بودند.

رسوخ تمدن جدید و شیوه تفکر صنعتی در اواسط قرن ۱۹ میلادی در ژاپن و آنچه که نهضت میجی نام گرفت، مرهون کاربری علوم و فنون و صنعت غرب است که وامدار ترجمه آثار علمی، فلسفی و ادبی از زبان‌های بزرگ اروپایی به ژاپنی است. (سیار، ۶۴۹)

فرهنگ اسلامی در عهد خلفای عباسی بغداد در قرون دوم و سوم هجری در اوج درخشش خود بود؛ این تمدن خود، با ترجمه آثار عمده علمی، فلسفی و ادبی از زبان‌های یونانی، پهلوی و سریانی به عربی، شکوفا شده بود که ترجمه این آثار از عربی به لاتین، فروخت دوره ظلمانی قرون وسطی و بر آمدن و شکفتگی تمدن اروپا می‌شد. البته، رستاخیز فکری رنسانس در اروپای تازه از خواب هزار ساله بیدار شده قرون وسطایی را باید مدیون بازگشت به تمدن روم و یونان قدیم و بیشتر از راه ترجمه آثار فرزندان، ادیبان و دانشوران این سرزمین دانست.

به‌طور کلی در تاریخ هر کشوری، دوره‌هایی وجود دارد که درک کامل و دقیق آن بدون درک تاریخ عمومی آن کشور، میسر نمی‌باشد. از سوی دیگر از آنجا که تاریخ عمومی هر

کشور نیز، بخشی از تاریخ جهان است، لزوم ارتباط کشورها و ملت‌ها برای درک کامل مسایل و رویدادهای مربوط به آن کشور امری بدیهی می‌نماید. بدین شکل فرهنگ و ادبیات هر کشور نیز که هر لحظه در حال رشد و تعالی است به طور کامل، قابل درک نخواهد بود، مگر آن را به عنوان بخشی از یک مجموعه بزرگ یعنی، ادبیات جهانی به حساب آوریم و در ارتباط با بخش‌های دیگر ادبیات جهان، درک نماییم. (کنراد، ۳۰۵)

اگر انواع ارتباطات میان کشورها را بررسی کنیم، متوجه خواهیم شد که ارتباط میان کشورها به طور معمول، از سه راه انجام می‌پذیرد: ارتباط سیاسی، ارتباط اقتصادی و ارتباط فرهنگی، در این میان، ارتباط سیاسی و اقتصادی روابطی اند که با کوچک‌ترین بحران و ضعف در دیپلماسی، دچار تزلزل می‌شود، ارتباط فرهنگی، ارتباط مسؤولان، سردمداران و یا تجار هر دو سو نیست، بلکه ارتباطی درونی و فرهنگی میان مردم آن کشورها است. ارتباطی برخاسته از دل‌بستگی‌های روحی و عاطفی میان ادیبان، هنرمندان و صاحبان فکر و اندیشه است. از این روست که ارتباط میان افکار و قلوب این مردم، رابطه‌ای ناگسستنی است، زیرا پیوندی است که از گذرگاه فرهنگ، زبان، ادبیات و هنر برقرار شده است. در این میان، این نکته را نیز باید پذیرفت که مترجم نه فقط یک واسطه در انتقال یک اثر از فرهنگی به فرهنگ دیگر، بلکه کسی است که می‌تواند به عنوان یک خالق اندیشه، نقش‌آفرینی کند. (همان‌جا)

مترجم می‌تواند با خلق اثر، میان اندیشمندان، محققان، ادیبان و از همه مهم‌تر توده مردم - که پایه‌های هرم جهانی اند - مودت و دوستی برقرار کند. مطالعه و بررسی آثاری که در رشته‌های گوناگون دانش بشری در سطح جهان نگاشته شده است، مبین تراوش احساسات و از همه مهم‌تر، چکیده ذوق و عصاره دانش انسان‌هایی است که خود را متعلق به همه می‌دانند. در نتیجه، تجلیات فکری آن‌ها نیز متعلق به تمامی انسان‌ها و نسل‌ها خواهد بود. به راستی آیا مسکوت ماندن این آثار در قلمرو کشورها، امری صحیح است؟ آیا لازم نیست این خلاقیت‌ها از راه هنر ترجمه و با کمک مترجمان چیره و زبان‌دان، در اختیار همگان قرار گیرد. بدین ترتیب شکی نیست که ترجمه تلاشی است برای یکسان‌سازی دانش در سطح جهان و گامی است برای فراهم آوردن زمینه ارتباط بیشتر میان ملت‌ها، در این زمینه کار مترجم بسترسازی برای یک حرکت اصیل و ریشه‌دار در نزدیکی ملل است.

نقش ترجمه در نزدیکی روابط ملل در تمامی زمینه‌ها

تأثیر ترجمه آثار، بر روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جوامع، امری بدیهی و

انکارناپذیر است. لیکن، در میان آثار تألیف شده در یک کشور، باید به این نکته توجه داشت که کدام یک از متون در ایجاد ارتباط و مودت میان ملت‌ها، نقش اساسی را ایفا می‌کند. آیا آثاری که نشانگر نوع زندگی، جهان‌بینی و فرهنگ ملل اند، در اولویت نیستند؟ برآیند ترجمه آثاری که به این موضوعات پرداخته‌اند، چیست؟ ارائه اطلاعات مفید و شناخت عمیق به خواننده؟ در پاسخ باید گفت: این شناخت چه ثمراتی برای کشورها دارد؟ این شناخت موجبات ارتباطی عمیق بین مردم کشورها و الفتی قلبی و پایدار می‌شود که نتایج آن در سایر روابط دو ملت نیز مؤثر خواهد بود.

در واقع هرگاه ارتباط سیاسی دو کشور بر پایه دوستی ملت‌های آنان استوار شده باشد، مطمئناً مستحکم‌تر خواهد بود. چرا که حمایت مردم دو کشور، بالطبع حمایت مسئولان آن‌ها را، دربرخواهد داشت. در ارتباطات اقتصادی نیز شناخت درست و دقیق از ملل، نقش مهمی ایفا می‌کند. چرا که در معاملات، شناخت کامل و جلب حس اعتماد طرفین، در سهولت انجام روابط بازرگانی و اقتصادی حائز اهمیت بسیار است. در ارتباطات فرهنگی که در اصل پایه‌گذار تمامی ارتباطات فوق است، عوامل بسیاری اثرگذار اند که نقش بی‌بدلیل ترجمه از آن جمله است. اصولاً هم‌کنشی‌های فرهنگی بسی عمیق‌تر و ریشه‌دارتر از سایر روابط اند و استحکام و پایداری آن‌ها در میان مردم، دانشمندان ملل ایجاد شده، به مسئولان و متولیان کشور نیز سرایت می‌کند.

ترجمه بستر مناسب در تعاملات فرهنگی دو ملت ایران و روسیه

اصولاً فرهنگ ایرانی، فرهنگی است که همواره جنبه جهانی داشته است، به عبارت دیگر، از آغاز پیدایش خود در هیچ زمان محدود به مرزهای جغرافیایی یا نژاد ایرانی نمانده است، بلکه بر خلاف بسیاری از تمدن‌ها و فرهنگ‌های بزرگی هم‌چون: مصر، بین‌النهرین، هند، چین و ... مأموریت خود را در این دانسته است که به مقتضای موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران، عناصر برگزیده فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف شرق و غرب را در هم آمیزد و از آن‌ها فرهنگی، نه تنها ایرانی، بلکه بشری بسازد.

در میان متفکران، فلاسفه، عارفان، نویسندگان و شعرای ما همواره دیدی جهانی و بشری وجود داشته است. آنان از جنبه معنویت و بشر دوستی به سراسر جهان نگرسته‌اند، آنچه مایه اصلی ادبیات و حکمت ایران است، محبت و پیوستگی است و آنچه اساس تاریخ کهنسال ایران است، توجه عمیق به معنویت و اخلاق است.

تمدن کهن ایرانی از دیرباز مورد توجه ملل جهان به ویژه ملت همسایه، روسیه قرار داشته است، به گونه ای که غنای ادبیات فارسی به ویژه در قرون وسطی، محققان و ایران شناسان روس را چنان شیفته خود کرد که برای دستیابی به آراء و نظریات ادیبان ایرانی از هیچ تلاشی فروگذار نکردند.

اگر چه مردم روسیه قبل از پترکبیر نیز به هنر و صنایع ایران توجه داشتند، ولی بنیاد استوار مناسبات فرهنگی روسیه و ایران در زمان پتر اول گذاشته شد. با دایر شدن مدرسه زبان فارسی. در سال ۱۷۳۲ میلادی، آموزش زبان فارسی به طور رسمی شروع شد. سپس در سال ۱۸۱۸ میلادی در مرکز تربیت معلم سن پترزبورگ تدریس زبان فارسی توسط ان. بولدیریف آغاز شد. رفته رفته با تربیت استادان زبان فارسی، مراکز آموزش زبان فارسی در قازان، خارکوف، باکو و تاشکند و ... دایر گردید. (کمیساروف، ۷۸)

از بررسی چگونگی کارکرد مدرسان این مدارس، درمی یابیم که به طور کلی در مراکز آموزش زبان فارسی روسیه، دو روش وجود داشت: روش آکادمیک (با تکیه بر علم زبان شناسی) و روش عملی.

تعلیم و تربیت عملی در دوره قبل از انقلاب اکتبر، فوق العاده ضعیف بود. پس از انقلاب، تدریس زبان فارسی در دانشکده خاورشناسی دانشگاه سنت پترزبورگ و همچنین در انستیتوی زبان‌های زنده شرق سنت پترزبورگ ادامه داشت. در انستیتوی مزبور، به آموزش زبان فارسی و خواندن و نوشتن و مکالمه این زبان بیشتر توجه می شد. در مسکو نیز بر پایه انستیتوی لازارف، انستیتوی خاورشناسی مسکو تاسیس شد. (امیری، ۲۷۴) پس از آن آموزش زبان فارسی به روش آکادمیک نیز شروع شد. رفته رفته با تقویت زبان فارسی، تسلط به زبان فارسی بیشتر شد و با ایجاد کرسی زبان فارسی در دانشگاه دولتی مسکو و سایر دانشگاه‌ها و تربیت ایران شناسان و محققان مسلط به زبان فارسی، کار ترجمه آثار فارسی نیز شروع شد. ترجمه آثار منظوم در ابتدا صرفاً به صورت تحت‌اللفظی و به نثر بود، به مرور زمان و با رشد آگاهی مترجمان، بر کیفیت ترجمه‌ها افزوده شد، با افزایش تعداد کارشناسان، ترجمه آثار نیز افزایش یافت به طوری که سرانجام، کار ترجمه با اصول علمی و دقیق آغاز شد، در راه ترجمه آثار منظوم دو روش ایجاد شد:

۱- ترجمه مستقیم

۲ - ترجمه غیرمستقیم

تقریباً ۹۸ درصد آثار منظوم ادب فارسی به صورت غیرمستقیم به زبان روسی ترجمه

شدند.

روش کار در ترجمه غیرمستقیم به این صورت بود که ابتدا اشعار به صورت نثر به زبان روسی ترجمه می‌شد، سپس متن مثنوی به وسیله یک شاعر برجسته‌ی روس، به نظم روسی درمی‌آمد، دلیل این امر نیز این بود که بسیاری از استادان و مترجمان بزرگ روس، دارای روش علمی دقیق و تسلط کافی بر زبان فارسی بودند، ولی شاعر و ادیب مشهور در زبان روسی نبودند، در این حالت بود که کاستی با کمک شاعر با ذوق روس زبان جبران می‌شد و یک اثر ترجمه شده دقیق و متناسب با سلیقه و نیاز مردم روسیه تهیه می‌شد که می‌توانست با شمارگان بالا در اختیار خوانندگان روسیه قرارگیرد.

امروزه توسط مترجمان روس، صدها اثر گوناگون زبان فارسی به روسی ترجمه شده، که بسیاری از آن‌ها در اجتماعات علمی بسیاری از کشورهای جهان پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است.

در باره نخستین آثار فارسی ترجمه شده به زبان روسی، بولدیریف می‌نویسد: «در کتابخانه دولتی لنینگراد به نام "سالتیکف شدرین" دو نسخه خطی روسی که در قرن ۱۷ میلادی نوشته شده، محفوظ است. این آثار نمونه‌های خطی ترجمه روسی بابی چند از گلستان و بوستان سعدی است که از حیث قدمت، نخستین ترجمه روسی ادبیات فارسی به شمار می‌رود، نام مترجم مشخص نیست و هرگز نیز به چاپ نرسیده است.» (بولدیریف، ۱۸)، (علی‌اف، ۲۵)

اسناد و مدارک موجود نشان می‌دهد که آشنایی مردم روسیه با شاهنامه فردوسی به دنبال ترجمه و نشر قطعاتی از این اثر در سال ۱۸۱۵ میلادی انجام شد. بهترین و کامل‌ترین ترجمه از شاهنامه، توسط خانم بانو لاهوتی طی سی سال تلاش بی‌وقفه تهیه شد. این اثر به وسیله آکادمی علوم روسیه طی سال‌های ۱۹۵۷ تا ۱۹۸۹ با حجم ۳۴۱۹ صفحه در شهر مسکو منتشر شد. به این ترتیب خانم لاهوتی موفق شد برای نخستین بار شاهنامه را به صورت مستقیم و بدون بهره‌گیری از ترجمه‌های تحت‌اللفظی ترجمه کند که این به دلیل شاعر بودن مترجم و تسلط او بر هر دو زبان فارسی و روسی بود.

اما نباید نادیده گرفت که در میان شاعران فارسی، مردم روسیه به خیام توجه‌ای خاص داشته‌اند، زیرا خیام خالق رباعی بود، اشعاری کوتاه و در عین حال پرمغز و عمیق، برای ملت روسیه که رباعی در ادبیاتش سابقه‌ای نداشت، شیوه‌ای جدید بود. به گفته یکی از مترجمان روس، خیام صاحب «مکعب‌های کوچک جادویی» است، ابیاتی که به راحتی در ذهن جای

می‌گرفت و گاه حتی حکم ضرب‌المثل را می‌یافت. (واراژیکینا، شاخوردف، ۳۵)

اگر خواسته باشیم به طور مختصر درباره آثار خیام در روسیه بنویسیم، باید از ترجمه رباعیات خیام فیتز جرالد انگلیسی که خیام را به جهان و روسیه معرفی کرد؛ شروع کنیم و بعد پردازیم به ول. ولیچکا که در سال ۱۸۹۱ شانزده رباعی از خیام را برای نخستین بار به زبان روسی ترجمه کرد و در مجله پیک اروپا با عنوان «از عمر خیام، از ایران» منتشر کرد. (بولدیریف، ۱۸)

البته با گذشت زمان بر تعداد ترجمه‌های رباعیات خیام افزوده شد؛ در میان صدها اثر ترجمه شده از خیام، ترجمه واراژیکینا و شاخوردف که در سال ۱۹۸۶ با تیراژ صد هزار نسخه‌ای وارد بازار کتاب روسیه شد، جایگاه خاصی دارد. مترجمان در خلق این اثر کوشیدند، تمام جنبه‌های یک ترجمه علمی را رعایت کنند، مقدمه مفصلی نیز در آغاز آن جای گرفت که موجب شد این اثر بارها باز چاپ شود، به طوری که حتی پس از فروپاشی نظام شوروی و علی‌رغم بروز مشکلات اقتصادی فراوان، به ویژه رکود و توقف چاپ کتاب، رباعیات خیام در سال ۱۹۹۳ با تیراژ ۳۰ هزار نسخه و در سال ۱۹۹۵ با تیراژ ۵ هزار نسخه وارد بازار کتاب سن پترزبورگ شود. اشاعر دیگری که در روسیه مورد توجه قرار گرفته، حافظ شیرازی است. «اگر چه دیوان حافظ به علت دارا بودن ویژگی‌های خاص در مقایسه با شاهنامه فردوسی و رباعیات خیام ترجمه ناپذیر جلوه می‌کند». (سیار، ۶۹) ولی مترجمان علاقه‌مند روس در این زمینه تلاش‌هایی داشته‌اند. نخستین ترجمه از غزلیات حافظ در سال ۱۸۶۰م. توسط آفاناسی آفاناسوویچ فت منتشر شد. در این اثر، مترجم موفق شد با الهام‌گیری از «دیوان غربی و شرقی» گوته، ۲۴ غزل حافظ را به زبان روسی ترجمه کند، فت ترجمه خود را براساس اثر ی.گ.ف. داوومر آلمانی که در سال ۱۸۴۶ م. در شهر هامبورگ با عنوان حافظ چاپ شده بود، منتشر کرد. (فت، ۱۹۸۶)

آخرین و بهترین ترجمه اشعار حافظ در سال ۱۹۸۱م. توسط گرمان پلی ستسکی در شهر مسکو به زبان روسی منتشر شد. در این اثر که شامل ۱۱۷ غزل حافظ بود، مترجم افزون بر ترجمه دقیق و علمی اثر، توانست مقدمه‌ای مبسوط همراه با شرح اصطلاحات عرفانی دیوان حافظ را به قلم کندیروا ضمیمه نماید. (پلی ستسکی، ۱۹۸۱)

تاکنون با ذکر نمونه‌هایی، ارتباط ادبی - فرهنگی مردم روسیه با ایران مطرح شد. اکنون لازم است به نقل شواهدی چند از ارتباط ادبی مردم ایران با ادبیات و زبان روسیه نیز پردازیم. در سال ۱۸۱۵م. دولت ایران یک گروه تحصیل‌کرده، را به انگلستان اعزام می‌کند، این

گروه پنج نفره برای رسیدن به مقصد ناگزیر به عبور از قفقاز و شهرهای مسکو و سنت پترزبورگ می‌شوند. یکی از اعضای گروه اعزامی از سوی دولت ایران، میرزا صالح شیرازی بود، وی در حین سفر، از مراکز علمی، فرهنگی و هنری شهر مسکو بازدید کرده و نتایج آن را به طور جامع در کتابی تحت‌عنوان «سفرنامه» نگاشت که در سال ۱۸۶۸ میلادی منتشر شد. از سوی دیگر به دنبال مرگ گریبایدوف در ایران از سوی وزارت امور خارجه، مأموری به روسیه - مسکو اعزام شد که حاصل آن نیز سفرنامه‌ای بود که توسط وزارت خارجه انتشار یافت. بدین ترتیب روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دو کشور شکل تازه‌ای می‌یابد. (کمیساروف، ۷۶) سرانجام با ترجمه و نشر اولین اثر روسی به زبان فارسی با عنوان «غُصه از فکر» تألیف آ.س. گریبایدوف بر میزان روابط اربی و فرهنگی دو کشور افزوده شد.

در آغاز قرن بیستم میلادی بود که کتاب خوانان ایرانی به طور جدی با آثار ادبی کلاسیک روسیه به ویژه با آثار الکساندر پوشکین آشنا شدند. پیش از این نیز ایرانیان توسط شاعران و پژوهشگران آذری هم عصر پوشکین، همانند: عباس قلی‌خان باکی خانف و میرزا فتحعلی آخوندزاده با ادب روسیه در ارتباط بودند، این دو موفق شدند، آثار فرهنگی و ادبی روسیه را به کشورهای خاور زمین به ویژه ایران، منتقل نمایند. (روزنفلد، ۸۳)

در آغاز قرن بیستم آثاری چند از ادبیات روسی به فارسی ترجمه شد. در این قرن، داستان‌هایی مردمی از ل.ن. تالستوی، داستان «ساعت» از ماکسیم گورکی در سال ۱۹۲۲ و سه داستان از پوشکین با عنوان «بی‌بی‌گلابی» ترجمه شرف‌الدین قهرمانی و داستان «تیر تپانچه» ترجمه میرزا حسین خان انصاری و داستان «دختر سلطان» ترجمه پرویز ناتل خانلری که در سال ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ منتشر شد. (روزنفلد، ۹۶) به دنبال این آثار، داستان‌هایی از آنتون پائولوویچ چخوف نویسنده بزرگ روسیه به فارسی ترجمه گردید. در این میانه استبداد حاکم بر ایران، همواره مانع ترجمه آثار روسی به زبان فارسی بود. با تحول اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در ۱۳۲۰ خورشیدی، ترجمه این آثار نیز رو به فزونی گذاشت. سرانجام خوانندگان ایرانی موفق شدند با آثار پوشکین، لرمانتف، نکراسف، داستایوسکی، تورگنیف و سایر ادیبان مطرح روس آشنا شوند. اساسی‌ترین نقش در ایجاد روابط فرهنگی میان ایران و روسیه آن زمان را انجمن فرهنگی ایران و شوروی ایفا کرد.

یکی از حوادث مهم که موجبات ارتباط دو ملت ایران و روسیه را فراهم نمود، دیدار و

گفتگوی دو شاعر بزرگ، الکساندر پوشکین و فاضل خان گروسی در قفقاز بود^۱. این ملاقات در سال ۱۸۲۹م اتفاق افتاد و به گونه‌ای در روح و روان دو شاعر تأثیر گذاشت، که فاضل خان ضمن اظهار تأسف از کوتاه بودن دیدار، آرزوی ملاقات و گفتگوی مجدد پوشکین در مسکو و سنت پترزبورگ را نمود. پوشکین نیز در دیوان خود قطعه‌ای تحت عنوان «فاضل خان گروسی» سرود (کمیساروف، ۹۵) که شاهدهی بر وجود همدلی و دوستی میان نمایندگان ادبی دو کشور است.

اما نمونه‌دیگر از همین شاعر، ابیاتی است که وی در آغاز قطعه «فواره باغچه‌سرا» سروده قطعه مذکور محبوب‌ترین اثر پوشکین در دهه ۲۰ قرن ۱۹ میلادی روسیه است. این اثر از جهت موضوع و ساختمان کاملاً شرقی بوده (میرسکی، ۱۴۴) و پوشکین آن را با تضمین بیتی از سعدی شیرازی چنین شروع می‌کند که:

در این چشمه چون ما بسی دم زدند

برفتند چون چشم بر هم زدند

اما، پوشکین در منظومه «اوگنی آنگین» نیز یکبار دیگر از این بیت با تغییراتی جزئی یاد می‌کند و این بار از آن به عنوان ختم استفاده می‌کند.

از میان رجال روسیه آن عهد، شاعر و دیپلمات معروف الکساندر گریبایدف، زبان فارسی آموخت. بجز وی، دو نویسنده نامدار دیگر روسیه، لف تالستوی و تورگنیف نیز شایق به یادگیری زبان فارسی بودند.

لف تالستوی به عنوان یکی از نویسندگان بزرگ جهان، به مشرق زمین به ویژه ایران علاقه داشت. در این پاره شاگرد او شیفمان می‌نویسد: تالستوی به فرهنگ والای ایران علاقه وافر داشت؛ او یادگارهای قدیم ایران؛ ادبیات و داستان‌های آن را مطالعه می‌کرد و از اشعار شاعرانی چون: حافظ، سعدی و فردوسی مشعوف می‌شد. تالستوی با تاریخ و فرهنگ ایران از طریق منابع خارجی آشنا شد و ضرب‌المثل‌ها و سخنان قصار فارسی را از منابع انگلیسی و فرانسه گردآوری کرد. حاصل این کار طنین این عناصر در داستان‌ها و رمان‌های نویسنده (شیفمان، ۳۲۳) و ورود عناصر اعتقادی- فرهنگی مردم ایران در زندگی مردم روسیه بود.

بررسی بسامداعلام در آثار ۹۰ جلدی لف تالستوی نشان می‌دهد که این ادیب شهیر به

۱- برای کسب آگاهی بیشتر از آثار ترجمه شده از خیام در روسیه، به مقاله "تحقیقات ایران شناسان روس در باره خیام نیشابوری" نگارنده؛ منتشر شده در مجله پیک نور دانشگاه پیام نور سال اول، رجوع شود.

ادبیات ایران توجه خاصی داشته، به طوری که اسامی ادیبان معروف ایرانی همچون: سعدی (۲۹ بار)، حافظ (۳ بار)، خیام (۳ بار)، فردوسی (۲ بار)، مورد استفاده وی قرار گرفته است و از این میان بیشترین توجه تالستوی متوجه سعدی است. (تالستوی، مجموعه ۹۰ جلدی) به واقع اگر نبودند مترجمان دانا و ترجمه‌های دقیق علمی، هرگز این توجهات و این آثار ارزشمند در جهان خلق نمی‌شد.

مشکلات موجود در ترجمه آثار فارسی و روسی

یکی از موضوعات بحث برانگیز در علم زبان شناسی، ترجمه پذیری متن یا پیام از زبان مبدا به زبان مقصد است. گارسیا یربا محقق و استاد دانشگاه مادرید، سه دیدگاه کلی برای این مساله مطرح می‌کند: ترجمه پذیری مطلق، ترجمه ناپذیری، ترجمه پذیری سطحی یا نسبی. ترجمه پذیری مطلق: دیدگاه آن دسته از زبان شناسانی است که به وجود تساوی ضروری زبان‌ها، عقیده دارند. به عنوان مثال؛ زبان شناسی چامسکی بر وجود "جهان شمولی زبانی" تاکید می‌ورزد. بر اساس این نظریه، جهان شمولی، ساختار زیربنایی زبان‌های جهانی بوده و برای همه زبان‌ها یکسان است. به اعتقاد میل لارسون همه انسان‌ها یک چیز را می‌گویند، ولی به انحاء مختلف و زبان‌های متفاوت.

ترجمه ناپذیری: طرفداران این نظریه بیشتر به زبان مقصد اهمیت می‌دهند و ترجمه را تعبیری از واقعیت بیان شده در زبان مبدا به شمار می‌آورند. در واقع زبان‌ها قابل ترجمه نیستند، بلکه ما صرفاً تعبیراتی از آن‌ها را به زبان دیگر ارائه می‌دهیم، مومنین می‌گویند: هر نظام زبانی دارای دید متفاوت تری از جهان، در مقایسه با زبان دیگر به دست می‌دهد، به عبارت دیگر جهان را از زاویه دیگری می‌نگرد. (فیض الهی، ۱۳۳)

ترجمه پذیری سطحی یا نسبی: طرفداران این نظریه بر این اعتقادند که ترجمه هیچ‌گاه نمی‌تواند مطلق باشد، بلکه فقط برداشتی نسبی است از آنچه که ما از یک متن داریم. جورج مومنین در کتاب "مشکلات تئوریک ترجمه" می‌نویسد: چنانچه نظریات اخیر را درباره‌ی واژه، تجزیه و تحلیل جمله، بپذیریم، باید اذعان کنیم که ترجمه غیر ممکن است. در ترجمه، رعایت تمامی جزئیات ساختار جمله، واژه و صورت‌های صرفی و نحوی زبان مبداء امری غیر ممکن است.

در زبان روسی نیز هم چون دیگر زبان‌ها، واژه‌ها و تعبیراتی وجود دارند که برابر فارسی ندارند. برای مثال "خسته نباشید" که در زبان فارسی کاربرد بسیار دارد، در زبان روسی

به کار نمی رود و در صورت ترجمه تحت اللفظی نیز به طور کامل قابل درک نمی باشد. از سوی دیگر در مبحث واژگانی زبان روسی و سایر زبان های ریشه لاتین، معادلی برای کلمه دایی وجود ندارد (در زبان روسی از واژه "دیادیا" به معنی عمو و دایی استفاده می کنند .

از بررسی آثار ترجمه شده به زبان روسی و فارسی درمی یابیم که ترجمه شعر به مراتب مشکل تر از ترجمه آثار دیگر است. درباره تفاوت دو زبان فارسی و روسی نیز باید اظهار داشت که واژه های فارسی اساساً از واژه های روسی کوتاه ترند، به عنوان نمونه، معادل واژه "معلم" در زبان روسی برابر با "پری پادوات تل" (pripadavattel) است که در تقسیم هجایی واژه معلم، دارای ۳ هجا و برابر روسی آن دارای ۶ هجا میباشد یعنی، این کلمه سه هجا بیش از کلمه فارسی (معلم) دارد. این عدم هماهنگی مشکلاتی را در ترجمه، به ویژه در ترجمه اشعار کلاسیک فارسی به روسی که براساس اصول شعری رعایت بیشتر قوانینی چون وزن، قافیه، ردیف، و زیبایی های صوری هم چون واج آرای و قافیه میانی لازم دارد، ایجاد می نماید. این امر حتی در شعر شاعرانی چون حافظ دشواری هایی را به وجود آورده که موجب گردیده تا عده ای از مترجمان، شعر وی را ترجمه ناپذیر قلمداد کنند.

به طور کلی ساختار جملات و چگونگی ارتباط کلمات نیز در دو زبان تفاوت هایی دارد. در زبان فارسی واژه ها نسبتاً مستقل و جدایند و این ویژگی یعنی، استقلال واژگان، پشتوانه بسیار خوبی برای آفرینش شعر بوده است. حال آن که در زبان روسی با توجه به اصول و نظام حاکم بر زبان ویژگی های خاصی وجود دارد.

در دستور زبان روسی شش پادژ (معادل case در انگلیسی) وجود دارد، که واژه ها را براساس جنس، تعداد و نقش و با رعایت قوانین پادژی کاملاً به هم مربوط و متصل می شوند، درحالی که این اتصال زنجیروار در زبان فارسی به این شدت مطرح نمی باشد. در هر حال هر زبان برای بیان تفکرات و احساسات، دارای اصولی است که این اصول هم چون مانعی در سر راه مترجم قرار می گیرد و از انتقال پیام به زبان دیگر خودداری می کند. به عنوان نمونه: در ترجمه تفصیلی رباعیات عمر خیام، معمولاً آهنگ و ریتم و در واقع، قالب رباعی از بین می رود و شور و هیجان اشعار نیز دستخوش تغییر می شود. ترجمه رباعیات به صورت مختصر نیز ایجاد اشکال می کند، در این حالت احتمال این خطر وجود دارد که کل پیام از بین برود. برای نمونه بیشتر جملاتی که در زبان روسی ساختار تک عضوی دارند، در زبان فارسی به شکل دو عضوی بیان می شوند.

علی رغم وجود مشکلات بسیار، مترجمان دو کشور در مسیر ترجمه متون، هم گام با

محققان و دیگر اندیشمندان به وظیفه خود به عنوان واسطه در ایجاد هم‌کنشی‌های فرهنگی، ایفای نقش نمودند و به دنبال آشنایی کارشناسان دو کشور با زبان یکدیگر، سایر فعالیت‌های فرهنگی نیز شدت یافت، اکنون در ادامه به پاره‌ای از این فعالیت‌ها اشاره می‌شود:

نخستین نشریه فارسی در روسیه

در روز ۱۸ آوریل ۱۹۶۱، در تالار کاخ دوستی مسکو، نمایندگان جوامع علمی و ادبی ۱۵ جمهوری شوروی گرد هم آمدند، تا دهمین سال درگذشت محمدتقی بهار شاعر نامی و صادق هدایت، نویسنده شهیر ایرانی را برگزار کنند.

نخستین فردی که در این جلسه سخنرانی ایراد نمود، ایران‌شناسی به نام ل. س پیسیکوف بود. عنوان سخنرانی وی «بهار بزرگترین شاعر معاصر ایران» بود. وی اظهار داشت که بهار با پیشرفت مردم ایران در راه آزادی تکامل یافته و از آن در راه خلق آثار جدید الهام گرفته است. غزل‌های لطیف وی که مشحون از عشق به زندگی اند و اشعار شجاعانه‌اش^۱ که سرشار از ویژگی‌های انسانی و ملی اند، موجب شهرت وی شده است. سخنران دیگر دانیال سیمونوویچ کمیساروف، بود که به بررسی حیات اجتماعی و سبک خلاق صادق هدایت پرداخت، وی جهان بینی نویسنده مشهور ایرانی و مهارت و استادی و استعداد بی‌نظیر او را به عنوان یک زبان‌شناس و محقق زبان فارسی و نقاش و مترجم، تشریح کرد.

«پیام دوست» نشریه کرسی زبان فارسی دانشگاه علوم انسانی روسیه به عنوان نخستین نشریه زبان فارسی شناخته شده است. در نخستین شماره «پیام دوست» مقاله‌های جالبی مانند: «غزل سرایی در ایران، سابقه ایران شناسی در روسیه، آشنایی با آداب و رسوم ایران و طبخ غذاهای ملی ایران به چاپ رسیده است. پروفیسور ویچسلاو موشکالو استاد این دانشگاه در سر مقاله «پیام دوست» به سابقه ایران شناسی در روسیه اشاره کرده و نوشته است: انتشار نشریه پیام دوست زمینه ایجاد رابطه محکم علاقه‌مندان و دانشجویان زبان فارسی روسیه را باعث خواهد شد. (امیری، ۲۷۶)

در آبان ماه سال ۱۳۶۸، سمینار بزرگداشت و نقد و بررسی آثار عبدالرحمان جامی، شاعر و نویسنده پارسی‌گوی قرن نهم هجری (۸۹۸-۸۱۷ هجری قمری) در تالار اتحادیه نویسندگان

۱- جهت کسب اطلاعات بیشتر رک مقاله «بررسی ساختار تک‌عضوی فعلی زبان روسی...»، مجله پژوهش زبان‌های خارجه، شماره ۲۵

مسکو برگزار گردید. در این مراسم از کشور ایران نیز دکتر محمد علوی مقدم استاد دانشگاه مشهد و دکتر اسماعیل حاکمی استاد دانشگاه تهران شرکت کرده بودند. در سال ۱۳۷۰ به منظور گرامیداشت امیرعلیشیر نوایی شاعر ایرانی، یکی از خیابان‌های اصلی شهر مسکو به نام وی نامگذاری شد. به دنبال آن یادداشت تفاهم نامه همکاری‌های فرهنگی بین وزارت فرهنگ و دو کشور (۱۳۷۶-۱۳۷۷) به امضا رسید. (همان، ۳۲۵)

سمینار بررسی روابط فرهنگی ایران در روسیه

در تیرماه ۱۳۷۴ به مدت دو روز در مسکو سمیناری در زمینه «روابط فرهنگی ایران و روسیه» با حضور عباس ملکی معاون امور آموزشی وزارت امور خارجه ایران، به همراه هیأتی از ایران و خاورشناسان روسی تشکیل شد. در این سمینار مباحثی چون: «دورنمای روابط بین المللی ایران و روسیه در سال ۲۰۰۰» توسط عباس ملکی و «مصالح و دورنمای گسترش روابط روسیه و ایران» توسط کنستانتین شوالف مطرح شد. همچنین به تشکیل یک بنیاد و انجمنی جدید برای توسعه روابط فرهنگی ایران و روسیه اشاره شد.

در جریان سفر علی لاریجانی به مسکو در سال ۱۳۷۵، یادداشت تفاهمی برای گسترش همکاری‌های فرهنگی و هنری و استفاده از تجارب یکدیگر، میان نمایندگان ایران و روسیه به امضا رسید. براساس این یادداشت، دو کشور در زمینه مبادله هیأت‌های فرهنگی و هنری و اعزام کارشناس و برگزاری نمایشگاه‌های مختلف و همکاری در زمینه موزه و حفظ میراث فرهنگی و گسترش کتابخانه و تئاتر فعالیت خواهند داشت.

بازدید زبان‌شناسان روسیه از فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی

چهارتن از استادان و زبان‌شناسان روسیه در تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۷۶ ضمن حضور در فرهنگستان، با حداد عادل و چند تن از اعضای پیوسته فرهنگستان دیدار و گفتگو کردند.

دوره دانش‌افزایی زبان و ادبیات فارسی

ششمین دوره دانش‌افزایی زبان و ادب فارسی توسط سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در سیزدهم اسفندماه سال ۱۳۷۶ در تهران برگزار شد. این دوره دانش‌افزایی که با شرکت دانشجویان ممتاز زبان فارسی از کشور روسیه برگزار شد، حدود ۱۱۰ ساعت دروس تخصصی و عمومی ادبیات فارسی از جمله درس‌های دستور زبان فارسی، مکالمه، تاریخ، فرهنگ و

تمدن اسلامی، آزمایشگاه مکالمه زبان، آشنایی با مبانی عرفان اسلامی، تحلیل و شرح نثر و نظم فارسی و ... آموزش داده شد.

در سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۷۸ در بخش همکاری‌های علمی و دانشگاهی، بیشتر فعالیت‌ها بر گسترش زبان فارسی در روسیه و تاسیس و تجهیز کرسی‌های زبان فارسی در دانشگاه‌های روسیه متمرکز شد.

در سال‌های اخیر تعاملات چشم‌گیری در عرصه فعالیت‌های دو کشور شکل گرفت که شمه‌ای از آن تا سال ۱۳۸۵ به شرح ذیل قابل اشاره است:

برگزاری نمایشگاه‌های مختلف و هفته‌های فرهنگی در مسکو و همچنین شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی مختلف مثل نمایشگاه کتاب و ...

برپایی «اولین هفته فرهنگی و نمایشگاه جمهوری اسلامی ایران در روسیه».

برگزاری برنامه‌های متعدد «شب فرهنگ ایران» به مدت یک ماه و نیم در موزه هنرهای شرق مسکو.

برگزاری گردهمایی با حضور ۳۰ تن از ایرانشناسان با هدف بررسی زمینه‌های ایجاد «وحدت رویه در آموزش زبان فارسی».

تدوین و ترجمه کتاب «ادبیات معاصر ایران» به زبان روسی.

اعزام گروه‌های داوطلب جهت شرکت در دوره‌های دانش‌افزایی به ایران
امضای قرارداد سه‌ساله برای تدریس زبان فارسی و فرهنگ ایران در انسیتو فلسفه مسکو
امضای قرارداد همکاری با کرسی ایرانشناسی انسیتو آسیا - آفریقا دانشگاه دولتی مسکو
همایش گفتگوی فرهنگ‌ها: حافظ، گوته، پوشکین

نشست علمی "نگاهی به ادبیات عرفانی ایران"

برگزاری سومین المپیاد زبان فارسی در روسیه

برگزاری همایش ادبی "از حماسه تا حماسه" در مسکو

همایش بین‌المللی "ایران و روسیه، گفتگوی فرهنگ‌ها" (برگرفته از کتاب زبان فارسی،

(۱۳۷۹)

رونمایی ترجمه دفتر اول مثنوی در سنت پترزبورگ، به مناسبت هشتصدمین سالگرد تولد

مولانا

آغاز هفته فیلم ایران با عنوان «نگاهی به سینمای ایران» در روسیه

اجرای نمایش تعزیه در روسیه

امضاء تفاهم نامه تدوین دانشنامه میراث فرهنگی ایران و روسیه
راه‌اندازی دوره های آموزش زبان فارسی در شعبه دانشگاه دولتی داغستان در شهر دربند
تجهیز مخزن نسخ خطی و کتب چاپ سنگی فارسی و عربی در مسکنجی
انتشار کتابشناسی " نسخ خطی عربی، فارسی و ترکی کتابخانه علمی دانشگاه دولتی
مسکو "

انتشار کتاب "سیر قصیده فارسی از قرن ۱۰ تا قرن ۱۳ میلادی" در روسیه
برگزاری دومین دوره جایزه ادبی فردوسی در روسیه
گشایش نمایشگاه بین المللی کتاب "سنت پترزبورگ" روسیه با حضور ایران
برگزاری همایش بین المللی ایران شناسی در قفقاز شمالی
انتشار کتاب " پیامبر اعظم" در روسیه
گشایش همایش " پیامبر اسلام، منادی صلح و دوستی " در پایتخت روسیه
انتشار شماره جدید دو ماهانه فرهنگ روس
برگزاری نمایشگاهی از ایران با عنوان (چه زیباست ایران) در سالن اجتماعات دانشگاه
دولتی آستراخان

پخش ویژه برنامه های سفر به ایران در برنامه تلویزیونی "در جستجوی ماجرا"
تجهیز کتابخانه‌های روسیه با منابع جدید ادبیات فارسی
گشایش نوزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب مسکو با حضور ناشران ایرانی
اجرای طرح نیازسنجی منابع آموزشی و کمک آموزشی در مراکز آموزش زبان فارسی

روسی

پرده برداری از تندیس فردوسی در شهر اولیانوسک روسیه
انتشار کتاب "اصطلاحات زبان فارسی معاصر
گشایش هفته فرهنگی روسیه در تالار وحدت
کنسرت موسیقی ایرانی در مسکو
نخستین هفته فرهنگی روسیه در تهران
(برگرفته از سایت رایزن فرهنگی ایران در روسیه

نتیجه

بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که برقراری ارتباط بین کشورها؛ به ویژه کشورهای همسایه، تحت تاثیر عوامل ساختاری و تصمیم‌گیرنده در هر کشور شکل می‌گیرد. روند نوگرایی و ضرورت نوآوری علمی و ادبی در کشور؛ اتصال به علم و ادبیات جهانی را مورد تاکید قرار می‌دهد. با معرفی دستاوردهای علمی و فرهنگی خودی و آشنایی با علم و فرهنگ سایر کشورها می‌توان به این امر مهم دست یافت. در این راستا، ترجمه به عنوان گذرگاهی راهبردی در تبادل اطلاعات و انتقال باورها و اندیشه‌های ملت‌ها تاثیر بسزا داشته و زمینه مناسبی را برای درک متقابل در عرصه‌های علمی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فراهم می‌آورد.

بحث فرهنگ‌ها مبحث بسیار پیچیده‌ای است که علم ترجمه به عنوان یک رشته مستقل به مطالعه و تجزیه و تحلیل مسایل بین فرهنگی و حتی روانشناسی زبان می‌پردازد. شناخت مبانی ارزشی دو کشور در رفع سوء تفاهم‌ها و تأثیرگذار بوده و موجبات آشنایی و همدلی ملت‌ها را فراهم می‌سازد.

دردو کشور ایران و روسیه، علی‌رغم تفاوت بسیار زبانی و مشکلاتی که بر سر راه اندیشمندان آنها وجود داشته، به واسطه شور علاقه‌ای که بین مردم دو کشور برای آشنایی با فرهنگ، تمدن و ادبیات بوده، نهضت ترجمه شکل گرفت و آثار بی‌شماری به دو زبان در موضوعات گوناگون منتشر شد. کارشناسان دو کشور با فعالیت خود نشان دادند که با توجه به جنبه گفتمانی زبان، می‌توان مفهوم اصلی را به طور کامل به مخاطب منتقل کرد و از این طریق ارتباطات عمیق و ریشه دار فرهنگی را که زمینه ساز سایر روابط نیز می‌باشد، فراهم آورد.

بررسی واقع بینانه تحولات اخیر کشورها در حال توسعه نشان می‌دهد که علم ترجمه در تمام زمینه‌ها موثر واقع شده و زمینه ساز خود باوری علمی - فرهنگی و ایجاد ارتباط آگاهانه در تمام عرصه‌ها گشته است.

درازیایی نهایی می‌توان گفت که فرایند ترجمه و ایجاد ارتباط با ملت‌ها تحولی در حال گسترش است که از طریق آن می‌توان فرصت‌های جدیدی را برای جهش علمی و ادبی کشور فراهم نمود.

کتاب‌شناسی

- بولدیریف، ا.ن. (۱۳۲۴). «ترجمه‌های روسی ادبیات فارسی». ترجمه کریم کشاورز. پیام‌نویس. شماره ۱۱. سال دوم، ۱۸-۱.
- پلی‌ستسکی، گرمان. (۱۹۸۱). ترجمه یکصد و هفده غزل. مسکو. به زبان روسی.
- تالستوی، ن. (۱۹۵۸). مجموعه کامل آثار در نود جلد، مسکو-لنینگراد. به زبان روسی.
- رضا، فضل‌الله. (۱۳۴۹). «گفتار در ترجمه‌پذیری». راهنمای کتاب. شماره ۱، ۱۲-۱.
- روزنفلد، آ.ز. (۱۹۴۹). «پوشکین در ترجمه‌های فارسی». وستنیک. شماره ۶. به زبان روسی. ۸۹-۸۱.
- _____. (۱۹۶۸). ادبیات روسیه در ایران. به زبان روسی.
- امیری، کیومرث. (۱۳۷۹). زبان فارسی در جهان روسیه. تهران: انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- سیار، غلامعلی. (۱۳۶۹). «نگاهی به وضع ترجمه در ایران» آینده. شماره ۱۲-۱۰، ۱۲۴-۱۱۴.
- شیفمان، آ.ای. (۱۹۷۱). لف تالستوی و شرق. مسکو. به زبان روسی.
- علی‌اف، ا. (۱۹۵۷). گلستان مشرف‌الدین سعدی. مسکو. به زبان روسی.
- فت، آ.آ. (۱۹۸۶). اشعار و منظومه‌ها. لنینگراد. به زبان روسی.
- فیض‌الهی، علی. (۱۳۸۴). «ترجمه علمی یا تجربی نقش ترجمه...». پژوهش‌های زبان‌های خارجی. شماره ۱۳۲، ۲۵-۱۱۹.
- کمیساروف، د.س. (۱۹۸۲). راههای رشد ادبیات نو و نوین فارسی. مسکو. به زبان روسی.
- _____. (در حال چاپ). آنتوان چخوف در ایران. مسکو. دست‌نویس به زبان روسی.
- کُزادان، ای. (۱۹۶۶). غرب و شرق. مسکو. به زبان روسی.
- میرسکی، د.س. (۱۳۷۲). تاریخ ادبیات روسیه. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: امیرکبیر.
- واراژیکینا، زن/شاخوردف، آ.ش. (۱۹۸۶). رباعیات عمر خیام. لنینگراد. به زبان روسی.